

گزیده‌ای از فضایل امام علی علیه السلام

از دیدگاه مفسرین و محدثین اهل سنت

دکتر قاسم بستانی / محمد جعفر نژاد

استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز / دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث

چکیده

حضرت علی علیه السلام شخصیتی فرامذهبی است که به مذهب و فرقه‌ای خاص اختصاص ندارد و این امر ناشی از اخلاق والا و کمال شخصیتی است که در وجود آن حضرت نهفته است؛ لذا عمده مذاهب و فرق اسلامی - از شیعه و اهل سنت - نسبت به ایشان ارادت خاصی نشان داده، در منابع حدیثی و کتب مذهبی خود از جایگاه ویژه و فضایل نامبرده بسیار یاد می‌کنند.

این مقاله، به قصد آشنایی مختصر خوانندگان بر گوشه‌ای از این امر، به روش کتابخانه‌ای، سعی دارد جایگاه و مقام حضرت علیه السلام نزد اهل تسنن را با اتکا به منابع مختلف حدیثی، تفسیری و تاریخی معتبر نشان دهد.

مقاله حاضر در سه بخش تنظیم شده است: بخش اول: آیاتی که در شأن علی علیه السلام نازل شده است؛ بخش دوم: فضایلی که در شأن علی علیه السلام وارد شده است؛ بخش سوم: امتیازات عملی علی علیه السلام، یعنی کارهایی که آن امام همام انجام داده‌اند. کلیدواژه‌ها: پیامبر صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام، اهل سنت، فضایل.

مقدمه

۱. آیاتی که در شأن والای علی علیه السلام نازل شده است

در ابتدای این بخش، گفتنی است آیاتی که در شأن اصحاب به طور عموم و در شأن علی علیه السلام به طور خاص، نازل شده‌اند، کم نیستند و ذکر تمام آنها در این مقاله امکان‌پذیر نیست، اما از باب «ما لا یدرک کله لایترک کله»، آیات ذیل که در خصوص امام علی علیه السلام نازل شده است، ذکر می‌گردد:

۱-۱. «هَذَا يَوْمَ خُصَّ بِأَنَّ فِي رُبِّهِمْ فَالَّذِينَ كَفَرُوا قُطِعَتْ لَهُمْ نِيَابٌ مِنْ نَارٍ يُصَبُّ مِنْ قَوْفِ رُؤُوسِهِمُ الْحَمِيمِ» (۱۹) يُصْهَرُ بِهِ مَا فِي بُطُونِهِمْ وَالْجُلُودُ (۲۰) وَهُمْ مُقَامِعٌ مِنْ حَدِيدٍ (۲۱) كُلًّا أَرَادُوا أَنْ يَنْزِلُوا بِهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيدُوا فِيهَا وَذُرُّوا عَذَابَ الْحَرِيقِ (۲۲) إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يُجْلُونَ فِيهَا مِنْ أَسْوَارٍ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِيَنبُتْ مِنْهَا حَرِيرٌ» (حج: ۱۹-۲۳); این دو [گروه] دشمنان یکدیگرند که درباره پروردگارش با هم ستیزه می‌کنند، و کسانی که کفر ورزیدند، جامه‌هایی از آتش برایشان بریده شده است [و] از بالای سرشان آب‌جوشان ریخته می‌شود. (۱۹) آنچه در شکم آنهاست با پوست [بدن]شان بدان گذاخته می‌گردد. (۲۰) و برای [وارد کردن ضربت بر سر] آنان گرزهایی آهنین است. (۲۱) هر بار بخواهند از [شدت] غم، از آن بیرون روند در آن بازگردانیده می‌شوند [که هان] بچشید عذاب آتش سوزان را. (۲۲) خدا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند در باغ‌هایی که از زیر [درختان] آن نهرها روان است درمی‌آورد؛ در آنجا با دست‌بندهایی از طلا و مروارید آراسته می‌شوند، و لباسشان در آنجا از پرنیان است.

در جنگ بدر، سه نفر از مسلمانان، علی علیه السلام، حمزه و عبیده بن حارث بن

عبدالمطلب به میدان نبرد آمدند و به ترتیب، ولید بن عتبه، عتبه بن ربیع و شیبه بن ربیع را از پای درآوردند و آیه فوق نازل شد و از این ماجرا یاد کرد (صنعانی، ۱۴۱۰ ق، ج ۳، ص ۳۳ / طبری، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۷، ص ۱۷۲ / ثعلبی، ۱۴۲۲ ق، ج ۷، ص ۱۳ / واحدی، ۱۴۱۵ ق، نیشابوری، [بی‌تا] ص ۲۰۷ / سمعانی، ۱۴۱۸ ق، ج ۳، ص ۴۲۹ / سیوطی، [بی‌تا] ج ۴، ص ۲۴۸ / بخاری، ۱۴۰۱ ق، ج ۵، ص ۶ / مسلم، [بی‌تا] ج ۸، ص ۲۴۶ / ابن ماجه، [بی‌تا] ج ۲، ص ۹۴۶ / نسائی، [بی‌تا] ج ۶، ص ۴۱۰ / بیهقی، [بی‌تا] ج ۳، ص ۲۷۶ / حاکم نیشابوری، [بی‌تا] ج ۲، ص ۳۸۹).

۱-۲. «مَنْ حَاجَكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ آبَاءَنَا وَأَبْنَاكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَتَوَلَّى فَنَجْعَلُ لِنَفْسِنَا عَلَى الْكَافِرِينَ» (آل عمران: ۶۱). پس هر که در این [باره] پس از دانشی که تو را [حاصل] آمده، یا تو محاجه کند، بگو: «بیایید پسرانمان و پسرانتان، و زنانمان و زنانتان، و ما خویشان نزدیک و شما خویشان نزدیک خود را فراخوانیم سپس مباحله کنیم، و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.»

این آیه در مورد گروهی از مسیحیان نجران است، آن‌گاه که با پیامبر صلی الله علیه و آله مجادله نمودند که عیسی بن مریم پسر خداست و رسول خدا می‌فرمود که بنده و فرستاده خداست. آیه فوق به آیه مباحله مشهور است. وقتی این آیه نازل شد، پیامبر صلی الله علیه و آله، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام را فراخواند و فرمود: پروردگارا اینها اهل من هستند (رازی، [بی‌تا] ج ۲، ص ۶۶۸ / سمعانی، ۱۴۱۸ ق، ج ۱، ص ۳۲۷ / مقریزی، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۴، ص ۶۹ / زرنندی حنفی، ۱۳۷۷ ق، ص ۱۰۸).

۱-۳. «أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (۱۹) الَّذِينَ آمَنُوا وَهَجَرُوا

وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَأْمُرُ اللَّهُ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْثَرُ دَرَجَةٍ عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّيِّبُونَ (۲۰)
يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَّهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ (۲۱) خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنَّ اللَّهَ
عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ» (توبه: ۱۹-۲۲)، آیا سیراب ساختن حاجیان و آباد کردن
مسجدالحرام را همانند [کار] کسی پنداشته‌اید که به خدا و روز بازپسین ایمان
آورده و در راه خدا جهاد می‌کند؟ [نه، این دو] نزد خدا یکسان نیستند، و خدا
بیدادگران را هدایت نخواهد کرد. (۱۹) کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده و
در راه خدا با مال و جانشان به جهاد پرداخته‌اند نزد خدا مقامی هر چه والاتر
دارند و اینان همان رستگارانند. (۲۰) پروردگارش آنان را از جانب خود، به
رحمت و خشنودی و باغ‌هایی [در بهشت] که در آنها نعمت‌هایی پایدار دارند،
مزده می‌دهد. (۲۱) جاودانه در آنها خواهند بود، در حقیقت، خداست که نزد او
پاداشی بزرگ است.

نقل شده است که مردی گفت: بعد از اسلام هیچ کاری اولتر و بهتر از عمارت
مسجدالحرام نیست و من آن را انجام می‌دهم. در این هنگام علی علیه السلام فرمود:
«الجهاد في سبيل الله افضل من هذا كله»؛ و از رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره
پرسیدند، پس آیه بالا نازل شد که عبارت علی علیه السلام در آن وجود داشت و این
تا بیدیی بر نظر ایشان شمرده شد (صنعانی، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۲۶۸ / طبری، جامع
البيان، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۰، ص ۱۲۲ / رازی، [بی‌تا] ج ۶، ص ۱۷۶۷ / سیوطی، ج ۳، ص ۲۱۸،
ع ۷) «يُرْفَعُونَ بِالنُّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا (۷) وَيُطِيعُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ
مَشْكِيئًا وَبَيِّنًا وَآيِيرًا (۸) إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا (۹) إِنَّمَا
نُقَاتِلُ مِنْ وَجْهِ يَوْمًا عَيَّرُوا فَطَرْنَا (۱۰) قَسَمْنَا لِلَّهِ شَرُّ ذَلِكَ الْبَيْزِ وَلَقَامَهُمْ نَضْرَةٌ
وَسُرُورًا» (انسان: ۷-۱۱)؛ [همان بندگان] که [به نذر خود وفا می‌کردند، و از روزی

که گزید آن فراگیرنده است می‌ترسیدند. (۷) و به [پاس] دوستی [خدا] بینوا و یتیم
و اسیر را خوراک می‌دادند. (۸) «ما برای خشنودی خداست که به شما می‌خورانیم
و پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم. (۹) ما از پروردگارانمان از روز عبوسی
سخت، هراسناکیم.» (۱۰) پس خدا [هم] آنان را از آسیب آن روز نگاه داشت و
شادابی و شادمانی به آنان ارزانی داشت.

آیه مذکور به آیه اطعام مشهور است و در شأن نزول آن آمده است: روزی
حسن و حسین مرخص می‌شوند، علی علیه السلام و فاطمه علیهما السلام نذر می‌کنند اگر این دو شفا
یافتند، روزه بگیرند. بعد از بهبودی به نذر خویش عمل کرده، روزه می‌گیرند و
هنگام افطار، گدایی به در خانه آنها می‌آید و ایشان افطاری خویش را به او
می‌دهند، و این آیات در شأن ایشان نازل شد (بغوی، [بی‌تا] ج ۴، ص ۴۲۸ / مقاتل،
۱۴۲۴ ق، ج ۳، ص ۴۲۷ / ابن جوزی، ۱۴۰۷ ق، ج ۸، ص ۱۴۵ / سیوطی، [بی‌تا] ج ۶،
ص ۲۹۹ / سمرقندی، [بی‌تا] ج ۳، ص ۵۰۴).

هـ. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَاجَعْتُمْ الرُّسُلَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْكُمْ صَدَقَةً ذَلِكَ خَيْرٌ
لَكُمْ وَأَطْهَرُ فَإِن لَّمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۲) أَلْأَشْفَقْتُمْ أَن تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْكُمْ
صَدَقَاتٍ فَإِذ لَّمْ تَلْعَلُوا وَتَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ
وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (مجادله، ۱۲-۱۳)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر گاه با
پیامبر [خدا] گفت‌وگوی محرمانه می‌کنید، پیش از گفت‌وگوی محرمانه خود
صدقه‌ای تقدیم بدارید. این [کار] برای شما بهتر و پاکیزه‌تر است و اگر چیزی
نیافتید بدانید که خدا آمرزنده مهربان است. (۱۲) آیا ترسیدید که پیش از
گفت‌وگوی محرمانه خود صدقه‌هایی تقدیم دارید؟ و چون نکردید و خدا [هم] بر
شما بخشود، پس نماز را برپا دارید و زکات را بدهید و از خدا و پیامبر او فرمان

برید، و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است.

این آیه به آیه نجوا مشهور است و در شأن نزول آن آمده است؛ مسلمانان خدمت پیامبر ﷺ می‌آمدند و با او نجوا می‌کردند و وقت گرانهای پیامبر ﷺ را می‌گرفتند. در اینجا خداوند نخستین آیات فوق را نازل کرد و به آنها دستور داد قبل از نجوا کردن با پیامبر ﷺ به مستمندان صدقه بپردازند. ایشان وقتی چنین دیدند، از نجوا خودداری کردند. آیه دوم نازل شد و اجازه نجوا به همگان داد.

علی رضی الله عنه می‌فرماید: آیه‌ای در قرآن است که فقط من بدان عمل کرده‌ام. من یک دینار داشتم، آن را به ده درهم تبدیل کردم و هر زمان می‌خواستم با رسول خدا ﷺ نجوا کنم، درهمی صدقه می‌دادم (نسایی، [بی‌تا]، ج ۵، ص ۱۵۳ / طبری، ۱۴۱۵، ج ۲۸، ص ۲۶ / جصاص، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۵۲۷ / سمرقندی، [بی‌تا]، ج ۳، ص ۳۹۷ / سیوطی، [بی‌تا]، ج ۶، ص ۲۹۹ / حاکم نیشابوری، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۴۸۲ / ابن حجر، [بی‌تا]، ج ۱۱، ص ۶۸ / عینی، [بی‌تا]، ج ۲۲، ص ۲۶۷).

۱۶. «الَّذِينَ يُتَّقُونَ أَزْوَاجَهُم بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره: ۲۷۴)؛ کسانی که اموال خود را شب و روز، و نهان و آشکارا، انفاق می‌کنند، پاداش آنان نزد پروردگارشان برای آنان خواهد بود و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند.

این آیه به آیه انفاق مشهور است و در احادیث بسیاری آمده است که این آیه درباره علی رضی الله عنه نازل شده است؛ زیرا آن حضرت چهار درهم داشت، درهمی را در شب و درهمی را در روز و درهمی را آشکارا و درهمی را در نهان انفاق کرد و این آیه نازل شد (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۱۴۷ / صنعانی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۰۸ / نحاس، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۰۴ / سمرقندی، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۲۰۶ / بغوی، [بی‌تا]،

ج ۱، ص ۲۶۰ / هینمی، ۱۴۰۸، ج ۶، ص ۲۲۴ / ابن حجر، [بی‌تا]، ج ۳، ص ۲۲۹ / عینی، [بی‌تا]، ج ۸، ص ۲۸۳).

۱۷. «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب: ۳۳)؛ و در خانه‌هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینت‌های خود را آشکار مکنید و نماز برپا دارید و زکات بدهید و خدا و فرستاده‌اش را فرمان برید. خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان پیامبر بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند.

آیه مذکور به آیه تطهیر شناخته می‌شود و در شأن اهل بیت پیامبر رضی الله عنهم، علی، فاطمه، حسن و حسین رضی الله عنهم نازل شده است (واحدی نیشابوری، ۱۴۱۵، ص ۲۳۹ / بغوی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۵۲۸ / نعلبی، ۱۴۲۲، ج ۸، ص ۲۶ / سمعانی، ۱۴۱۸، ج ۴، ص ۲۸۰ / احمد حنبل، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۲۳۱ / مسلم، [بی‌تا]، ج ۷، ص ۱۳۰ / ترمذی، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۳۰ / حاکم نیشابوری، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۴۱۶).

۱۸. «أَفَن كَانَ مُؤْمِنًا كَتَمَ كَانَفَاسًا لَا يَشْتَرُونَ» (سجده: ۱۸)؛ آیا کسی که مؤمن است، چون کسی است که نافرمان است؟ یکسان نیستند.

روزی ولید بن عقبه به علی رضی الله عنه عرض کرد: «انا ابسط متک لسانا و احد متک ستانا» (من از تو زبانی گسترده‌تر و فصیح‌تر و نیزه‌ای تیزتر دارم!) اشاره به اینکه به پندار خودش، هم در سخنوری و هم در جنگجویی پیشنازتر است. علی رضی الله عنه در پاسخ او فرمود: «لیس کما تقول یا فاسق!» و این آیات در تأیید نظر علی رضی الله عنه و فضیلت او نازل شد (واحدی نیشابوری، ۱۴۱۵، ص ۲۳۵ / حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۵۷۳ / سمعانی، ۱۴۱۸، ج ۴، ص ۲۵۱ / بغوی، [بی‌تا]، ج ۳، ص ۵۰۳ / ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۱۵۵۴ / زرندی حنفی، ۱۳۷۷، ج ۹۲ / زیلعی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۸۷ / سیوطی، [بی‌تا]، ج ۸، ص ۱۱۵).

۱۹. «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُعِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ زَاكِيُونَ» (مائده: ۵۵)؛ ولیّ شما، تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند؛ همان کسانی که نماز برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند.

آیه مذکور به آیه ولایت مشهور است و در سبب نزول آن آمده است؛ روزی فقیری به مسجد پیامبر ﷺ می‌آید و تقاضای کمک می‌کند. کسی چیزی برای کمک نداشته تا به او بدهد. علی علیه السلام با وجود اینکه در نماز بوده، انگشتری خویش را در حال رکوع به گدا می‌دهد و این آیات نازل می‌شود (واحدی نیشابوری، ۱۴۱۵ ق، ص ۱۳۳ / حسانی، ۱۴۱۱ ق، ج ۱، ص ۲۱۲ / سمعانی، ۱۴۱۸ ق، ج ۲، ص ۴۸ / بغوی، [بی‌تا] ج ۲، ص ۴۷ / هینمی، [بی‌تا] ۱۴۰۸ ق، ج ۷، ص ۱۷ / طبرانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۶، ص ۲۱۸ / زرنندی حنفی، ۱۳۷۷ ق، ص ۲۳).

۲۰. «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ اللَّهُ ذُرًّا» (مریم: ۹۶)؛ گفت: «به چیزی که [دیگران] به آن پی نبردند، پی بردم، و به قدر مُشتی از ردپای فرستاده [خدا، جبرئیل] برداشتم و آن را در پیکر [گوساله] انداختم، و نفس من برابم چنین فریبکاری کرد.»

آیه مذکور به آیه مودت معروف است و نقل شده است؛ رسول خدا ﷺ به علی علیه السلام فرمود: بگو خداوند! برای من عهدی نزد خودت قرار ده و در دل‌های مؤمنان مودت مرا بیفکن. پس خداوند چنین نازل کرد: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ اللَّهُ ذُرًّا» (سیوطی، [بی‌تا] ج ۴، ص ۲۸۷ / سمعانی، ۱۴۱۸ ق، ج ۳، ص ۳۱۶ / ابن عطیه، ۱۴۱۳ ق، ج ۴، ص ۲۴ / ابن جوزی، ۱۴۰۷ ق، ج ۵، ص ۱۸۵ / هینمی، ۱۴۰۸ ق، ج ۹، ص ۱۲۵ / طبرانی، معجم الکبیر، [بی‌تا] ج ۱۲، ص ۹۶ / زرنندی حنفی، ۱۳۷۷ ق، ص ۸۵).

۲. روایاتی که در شأن علی علیه السلام وارد شده است

۲۱. «علی علیه السلام عالم‌ترین، شکیباترین و اولین کسی بود که مسلمان شد.» هنگامی که علی علیه السلام از حضرت فاطمه علیه السلام خواستگاری نمود، پیامبر ﷺ به فاطمه علیه السلام فرمود: «ما لک تبکین یا فاطمة، فوالله لقد أنكحتک اکثرهم علما، وأفضلهم حلما، واولهم سلماً» (احمد حنبل، [بی‌تا] ج ۵، ص ۲۶ / طبرانی، معجم الکبیر، [بی‌تا] ج ۱، ص ۹۴ / هینمی، ۱۴۰۸ ق، ج ۹، ص ۱۰۱ / صنعانی، [بی‌تا] ج ۵، ص ۴۹۰ / ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ ق، ج ۳، ص ۱۰۹۹ / منقی هندی، [بی‌تا] ج ۱۱، ص ۶۰۵ / دولابی، ۱۴۰۷ ق، ص ۹۳).

۲۲. اجتهاد علی علیه السلام و تحسین او توسط پیامبر ﷺ

پیامبر خدا ﷺ علی علیه السلام را برای پرداخت دیات به سوی بنی جذیمه فرستاد و فرمود: ای علی! به نزد آنان برو و به کارشان رسیدگی کن و امر جاهلیت را زیر پا بنه. علی علیه السلام با مقداری مال که رسول خدا ﷺ به او داده بود، به سوی آنان رفت و دیه کشتگان و جریمه اموالی را که از آنان تلف شده بود، پرداخت؛ حتی پول ظرفی را که در آن به سگ آب می‌دادند، پرداخت نمود و مقداری اضافه آمد. علی علیه السلام فرمود: آیا هنوز خون و مالی مانده که جریمه آن پرداخت نشده باشد؟ گفتند: نه، فرمود: من بقیه این مال را برای احتیاط میان شما تقسیم می‌کنم تا اگر موردی باشد که رسول خدا و یا شما ندانسته باشید، جریمه آن پرداخت شده باشد. پس از انجام این کار، خدمت رسول خدا ﷺ بازگشت و او را از ماجرا باخبر ساخت. حضرت ﷺ فرمود: «أصببت و أحسنت»؛ درست انجام دادی و نیکو انجام دادی (طبری، [بی‌تا] ج ۲، ص ۳۴۲ / ابن اثیر، ۱۳۸۶ ق، ج ۲، ص ۱۴۰۸ / ۲۵۶ ق، ج ۴، ص ۳۵۸ / ذهی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۵۶۸ / زمخشری، ۱۴۱۷ ق، ج ۳، ص ۳۷۹).

۲-۳. سخن پیامبر ﷺ به علی علیه السلام: «إن الله سيهدي قلبك».

از علی علیه السلام روایت شده است: پیامبر ﷺ مرا برای قضاوت به سوی یمن فرستاد، در حالی که من هنوز جوان بودم و آن تجربه کافی را نداشتم. گفتم: ای رسول خدا مرا به سوی کسانی می‌فرستی که در بین ایشان افراد باتجربه و دوران‌دیده هستند. فرمودند: «ان الله سيهدي قلبك و يثبت لسانك»؛ خداوند قلبت را هدایت می‌کند و زبان‌ت را تثبیت می‌نماید. بعد از آن، هرگاه بین دو نفر قضاوت می‌کردم، هیچ‌گاه شک نمی‌کردم (احمد حنبل، [بی‌تا] ج ۱، ص ۱۵۶ / ابوداود، [بی‌تا] ج ۲، ص ۱۶۰ / نسائی، ۱۴۱۱ ق، ج ۵، ص ۱۱۶ / بیهقی، [بی‌تا] ج ۱۰، ص ۱۵۶ / نسائی، [بی‌تا] ص ۶۹۰ / موصلی، [بی‌تا] ج ۱، ص ۳۲۳ / طبرانی، معجم الاوسط، [بی‌تا] ج ۴، ص ۱۷۲ / متقی هندی، [بی‌تا] ج ۶، ص ۱۰۳ / عظیم‌آبادی، [بی‌تا] ج ۹، ص ۳۶۱).

۲-۴. فرمان رسول خدا ﷺ به بستن کلیه دروازه‌های منتهی به مسجد مگر دروازه خانه علی علیه السلام (احمد حنبل، [بی‌تا] ج ۱، ص ۱۷۵ / ترمذی، ۱۴۰۳ ق، ج ۵ ص ۳۰۵ / الحاکم، [بی‌تا] ج ۳، ص ۱۲۵ / ابن حجر، [بی‌تا] ج ۷، ص ۱۲ / نسائی، ۱۴۱۱ ق، ج ۵، ص ۱۱۳ / طبرانی، معجم الکبیر، [بی‌تا] ج ۱۲، ص ۷۸ / هینمی، ۱۴۰۸ ق، ج ۹، ص ۱۱۴).

۲-۵. سخن پیامبر ﷺ به علی علیه السلام: «تو صفی و امین من هستی».

درباره علی علیه السلام از پیامبر ﷺ نقل شده است که فرمود: «أما انت يا علي انت صفی و امینی» (نسائی، ۱۴۱۱ ق، ج ۵، ص ۱۲۸ / همو، [بی‌تا] ص ۹۰).

۲-۶. منزلت سه گانه اختصاصی علی علیه السلام

روایت شده است که معاویه به سعد بن ابی وقاص می‌گوید: چرا ابوتراب را سب نمی‌کنی؟ سعد در جواب می‌گوید: خداوند سه چیز به علی داده است که من اگر یکی از آنها را داشتم، برایم از شتران سرخ‌موی بهتر بود. ۱. در جنگ خیبر

پیامبر ﷺ فرمود: فردا پرچم را به کسی می‌دهم که خدا و رسول را دوست دارد و خدا و رسول هم او را دوست دارند؛ ۲. هنگامی که پیامبر ﷺ در غزوه تبوک او را جانشین خود می‌کند، علی علیه السلام می‌گوید: مرا با زنان و کودکان می‌گذارید؟ و پیامبر ﷺ می‌فرماید: تو برای من به منزله هارون هستی به موسی، جز اینکه نبوتی بعد از من نیست (احمد حنبل، [بی‌تا] ج ۱، ص ۳۳۱ / بخاری، ۱۴۰۱ ق، ج ۴، ص ۲۰۸ و ج ۵، ص ۱۲۹ / مسلم، [بی‌تا] ج ۷، ص ۱۹۰ / ترمذی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱، ص ۳۰۲ / ابن ماجه، [بی‌تا] ج ۱، ص ۴۳ / نسائی، [بی‌تا] ص ۱۳ / نووی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۱۹۵ / ابن حبان، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۵، ص ۱۶ / سیوطی، ۱۴۱۶ ق، ج ۵، ص ۳۸۶ / حاکم نیشابوری، [بی‌تا] ج ۲، ص ۳۳۷).

سعد بن ابی وقاص در توضیح سومین فضیلت علی علیه السلام می‌گوید: هنگامی که آیه تطهیر نازل شد، پیامبر ﷺ حسن، حسین، فاطمه و علی علیه السلام را فراخواند و فرمود: اینها اهل بیت من هستند (واحدی نیشابوری، ۱۴۱۵ ق، ص ۲۳۹ / بغوی، [بی‌تا] ج ۲، ص ۵۲۸ / ثعلبی، ۱۴۲۲ ق، ج ۸، ص ۳۶ / سمعانی، ۱۴۱۸ ق، ج ۴، ص ۳۸۰ / احمد حنبل، [بی‌تا] ج ۱، ص ۳۳۱ / مسلم، [بی‌تا] ج ۷، ص ۱۳۰ / ترمذی، ۱۴۰۳ ق، ج ۵، ص ۳۰ / حاکم نیشابوری، [بی‌تا] ج ۲، ص ۴۱۶).

۲-۷. اعلام ولایت علی علیه السلام: «من كنت وليه فهذا وليه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه» (احمد حنبل، [بی‌تا] ج ۱، ص ۱۱۸، ۲۸۱ و ۳۳۱ / نسائی، [بی‌تا] ص ۱۵ / حاکم نیشابوری، [بی‌تا] ج ۳، ص ۱۰۹ / مبارکفوری، ۱۴۱۰ ق، ج ۱۰، ص ۱۴۶ / نسائی، ۱۴۱۱ ق، ج ۵، ص ۴۵ / طبرانی، معجم الکبیر، [بی‌تا] ج ۵، ص ۱۶۶ / عمرو بن عاصم، ۱۴۱۳ ق، ص ۵۹۲ / مناوی، ۱۴۱۵ ق، ج ۶، ص ۲۸۲ / ابن قتیبه، [بی‌تا] ص ۱۴ / عجلونی، ۱۴۰۸ ق، ج ۲، ص ۲۷۴).

۲-۸. قول پیامبر ﷺ: «علی ولی کل مؤمن بعدی».

نقل شده است که پیامبر ﷺ فرمود: «ما تریدون من علی؟ إن علیاً منی و انا منه، و هو ولی کل مؤمن بعدی» (احمد حنبل، [بی‌تا] ج ۱، صص ۳۳۱ و ۴۲۸ / نسایی، [بی‌تا] ص ۱۵ / حاکم نیشابوری، [بی‌تا] ج ۳، ص ۱۱۱ / ترمذی، ۱۴۰۳ ق، ج ۵ ص ۲۹۶ / ابن حبان، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۵، ص ۲۷۴ / هینمی، ۱۴۰۸ ق، ج ۹، ص ۱۲۰ / عینی، [بی‌تا] ج ۱۶، ص ۲۱۴ / مبارکفوری، ۱۴۱۰ ق، ج ۱۰، ص ۱۴۶ / طبرانی، معجم الکبیر، [بی‌تا] ج ۱۲، ص ۵۷۸).

۲-۹. قول پیامبر ﷺ: «با دوست داشتن علی ﷺ است که فرق بین مؤمن و منافق معلوم می‌شود».

از علی ﷺ نقل شده است که پیامبر ﷺ دربارهٔ من فرمود: «... انه لا یحبینی إلا مؤمن، ولا یبغضنی إلا منافق» (احمد حنبل، [بی‌تا] ج ۱، ص ۸۴ / مسلم نیشابوری، [بی‌تا] ج ۱، ص ۶۰ / ابن ماجه، [بی‌تا] ج ۱، ص ۴۲ / ترمذی، ۱۴۰۳ ق، ج ۵ ص ۳۰۶ / نسایی، ۱۴۱۱ ق، ج ۸، ص ۱۱۶ / نووی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۶۳ / ابن حجر، [بی‌تا] ج ۱، ص ۶۰).

۲-۱۰. قول پیامبر ﷺ: «علی ﷺ پدر سرور جوانان بهشت است».

پیامبر ﷺ در احادیث متعددی، حسن و حسین را سرور جوانان بهشت معرفی فرموده‌اند (احمد حنبل، [بی‌تا] ج ۵، ص ۳۹۱ / ابن ماجه، [بی‌تا] ج ۱، ص ۴۴ / ترمذی، ۱۴۰۳ ق، ج ۵، ص ۳۲۶ / نسایی، [بی‌تا] ص ۲۰ / نووی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱۶، ص ۴۱).

۲-۱۱. مزده دادن پیامبر ﷺ به علی ﷺ که باغی در بهشت داری!

انس روایت می‌کند: من و علی ﷺ و رسول خدا ﷺ در بیرون از مدینه گشت می‌زدیم که به باغی رسیدیم؛ علی ﷺ فرمود: این باغ چه زیباست! و پیامبر ﷺ

فرمود: باغ تو در بهشت از این باغ بسی زیباتر است... (هینمی، ۱۴۰۸ ق، ج ۹، ص ۱۱۸ / ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹ ق، ج ۷، ص ۵۰۲ / طبرانی، معجم الکبیر، [بی‌تا] ج ۱۱، ص ۶۱ / متقی هندی، [بی‌تا] ج ۱۳، ص ۱۶۶).

۲-۱۲. علی ﷺ قاضی‌ترین اصحاب.

در روایت‌های متعددی از اصحاب پیامبر ﷺ نقل شده که قاضی‌ترین ما علی ﷺ است (بخاری، ۱۴۰۱ ق، ج ۵، ص ۱۴۹ / ابن حجر، [بی‌تا] ج ۴، ص ۲۱۹ / طبرانی، معجم الاوسط، [بی‌تا] ج ۷، ص ۲۵۷ / عینی، [بی‌تا] ج ۲۰، ص ۲۸ / عجلونی، ۱۴۰۸ ق، ج ۱، ص ۱۶۳).

۲-۱۳. علی ﷺ در بهشت دارای گنجینه‌ای است.

علی ﷺ از قول پیامبر ﷺ نقل می‌کند که ایشان فرمودند: «یا علی! إن لک کنزاً فی الجنة و إنک ذو قرنیها فلا تتبع النظره نظره فاینما لک الاولی و لیست لک الآخره» (احمد حنبل، [بی‌تا] ج ۱، ص ۱۵۹ / حاکم نیشابوری، [بی‌تا] ج ۳، ص ۱۲۳ / هینمی، ۱۴۰۸ ق، ج ۸، ص ۶۳ / ابن سلمه، ۱۴۱۸ ق، ج ۳، ص ۱۵ / ابن حبان، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۲، ص ۲۸۱ / جصاص، [بی‌تا] ج ۳، ص ۴۰۷).

۲-۱۴. آزدن علی ﷺ آزدن پیامبر ﷺ است.

از پیامبر ﷺ نقل شده است: «من آذی علیاً فقد آذانی» (احمد بن حنبل، [بی‌تا] ج ۳، ص ۴۸۳ / حاکم نیشابوری، [بی‌تا] ج ۳، ص ۱۲۲ / هینمی، ۱۴۰۸ ق، ج ۹، ص ۱۲۹ / ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹ ق، ج ۷، ص ۵۰۲ / ابویعلی، [بی‌تا] ج ۲، ص ۱۰۹ / ابن حبان، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۵، ص ۲۶۵ / ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ ق، ج ۳، ص ۱۱۰۱).

۲-۱۵. تمسک علی ﷺ به سنت رسول خدا ﷺ.

علی ﷺ می‌فرمایند: «ما كنت لأدع سنة النبي ﷺ لقول أحد». از همین روست

از علی علیه السلام پرسیده شد: محبت شما نسبت به پیامبر خدا چگونه است؟ فرمود: «به خدا قسم او (پیامبر) نزد ما از اموال و اولاد و پدران و مادرانمان و از آب خنک و گوارا برای انسان تشنه، محبوب‌تر است» (بیهقی، [بی‌تا] ج ۴، ص ۲۵۲ / عینی، [بی‌تا] ج ۸، ص ۱۷۶ / طرابلسی، [بی‌تا] ص ۱۶۰ / ابی‌علی، [بی‌تا] ج ۱، ص ۳۴۲).

۳. امتیازات عملی علی علیه السلام

۳-۱. جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله در برگرداندن ودیعه‌ها و امانت‌ها به صاحبانشان. این امر، نوعی اعتراف به امانتداری و مورد وثوق بودن ایشان نزد پیامبر صلی الله علیه و آله است (ابن کثیر، ۱۴۰۸ ق، ج ۳، ص ۲۱۶ / ابن اثیر، ۱۳۸۶ ق، ج ۲، ص ۱۰۳ / بیهقی، ۱۴۱۱ ق، ج ۶، ص ۲۸۹ / طبری، [بی‌تا] ج ۲، ص ۱۰۳ / ابن خلدون، [بی‌تا] ج ۲، قسمت ۲، ص ۱۶ / مقربزی، ۱۴۲۰ ق، ج ۱، ص ۵۷ / مسعودی، [بی‌تا] ص ۲۰۰ / یعقوبی، [بی‌تا] ج ۲، ص ۳۹).

۳-۲. خوابیدن علی علیه السلام در جای پیامبر صلی الله علیه و آله در شب هجرت به سوی مدینه. در جریان هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله به سوی مدینه که با همراهی ابوبکر، انجام می‌گیرد، علی علیه السلام جان‌فدایی می‌کند و در بستر پیامبر صلی الله علیه و آله می‌خوابد تا مشرکان که قصد جان پیامبر صلی الله علیه و آله کرده‌اند، نتوانند به مقصود خویش برسند (ابن کثیر، ۱۴۰۸ ق، ج ۳، ص ۲۱۶ / ابن اثیر، ۱۳۸۶ ق، ج ۲، ص ۱۰۳ / طبری، [بی‌تا] ج ۲، ص ۹۹ / احمد حنبل، [بی‌تا] ج ۱، ص ۳۳ / حاکم نیشابوری، [بی‌تا] ج ۳، ص ۴ / هیثمی، ۱۴۰۸ ق، ج ۹، ص ۱۲۰).

برخی فقط خوابیدن در جای پیامبر صلی الله علیه و آله را ذکر می‌کنند، اما این کار علاوه بر شهامت و شجاعت، گویای مطالبی دیگر هم هست که از آن جمله به موارد ذیل می‌توان اشاره کرد:

الف. این کار نمونه‌ای از اخلاص یک سرباز صادق است که برای دعوت و

که حضرت اهمیت خاصی به سنت رسول خدا می‌دادند و اعتنای تام و تمامی نسبت به آن داشتند و در جستجو و یافتن و تثبیت گفتار ایشان سعی وافر مبذول می‌داشتند. ایشان می‌فرمودند: «إِذَا حَدَّثَكُمْ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَلْتَنْ أَحْرُ (سرنگون بشوم) مِنَ السَّمَاءِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَكْذَبٍ عَلَيْهِ»؛ اگر از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برایتان سخن بگویم، از آسمان سرنگون شوم برایم بهتر است تا اینکه به او دروغ ببندند (بخاری، ۱۴۰۱ ق، ج ۸، ص ۵۲ / ابوداود، [بی‌تا] ج ۲، ص ۲۲۹ / بیهقی، ۱۴۱۱ ق، ج ۸، ص ۱۷۰ / ابن حبان، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۵، ص ۱۳۶ / عینی، [بی‌تا] ج ۸، ص ۱۷۶).

۲-۱۶. محبت تمام و کمال علی علیه السلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله.

خدای متعال در لزوم محبت خدا و رسول و جهاد در راه خدا می‌فرماید: «قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَسْوَاقٌ افْتَرَقْتُمْوهَا وَبِحِبَارَةِ غَشْوَةٍ كُنْتُمْ كَفَرًا فَتَوَّابُونَ إِلَى اللَّهِ بِرِجَالِكُمْ وَلَمْ يَكُن لَكُمْ سَبِيلَةٌ فَتَرْجِعُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ» (توبه، ۲۴)؛ بگو: «اگر پدران و پسران و برادران و زنان و خاندان شما و اموالی که گرد آورده‌اید و تجارتی که از کسادهای بیمناکید و سراهایی را که خوش می‌دارید، نزد شما از خدا و پیامبرش و جهاد در راه وی دوست‌داشتنی‌تر است، پس منتظر باشید تا خدا فرمانش را بیه اجرا در آورده» و خداوند گروه فاسقان را راهنمایی نمی‌کند.

خداوند در آیه مذکور مصداق این محبت را تبعیت عملی از پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی کرده، می‌فرماید: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (آل عمران: ۳۱)؛ بگو: «اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید تا خدا دوستتان بدارد و گناهان شما را بر شما ببخشد، و خداوند آمرزنده مهربان است.»

عقیده‌اش حاضر است جان خویش را فدا کند تا رهبرش زنده باشد؛ چون در سلامت رهبر است که دعوت و عقیده زنده می‌ماند و این حرکت علی علیه السلام کاری شگرف و عظیم بوده است.

ب. بیانگر اعتقاد راسخ به قضا و قدر است که هر آنچه قلم تقدیر بر آن رفته است، شدنی می‌کند: «قُلْ لَنْ يُبَيِّتَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللَّهِ تَلْتَمِزُونَ» (توبه: ۵۱)؛ بگو: «جز آنچه خدا برای ما مقرر داشته هرگز به ما نمی‌رسد. او سرپرست ماست، و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند».

این آیه دلالت بر عمق ایمان علی علیه السلام دارد.

۳-۳. هجرت علی علیه السلام

حضرت علی علیه السلام سه شبانه‌روز در مکه می‌ماند تا امانات را به صاحبان اماناتی که نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بود، برگردانند؛ سپس به رسول خدا صلی الله علیه و آله در قبا ملحق شدند و دو شب در قبا ماندند و روز جمعه همراه با ابوبکر در رکاب با پیامبر صلی الله علیه و آله به سوی مدینه حرکت کردند (ابن کثیر، ۱۴۰۸ ق، ج ۳، ص ۲۵۳ / ابن اثیر، ۱۳۸۶ ق، ج ۲، ص ۱۰۳ / بیهقی، ۱۴۱۱ ق، ج ۶ ص ۲۸۹ / طبری، علیه السلام ج ۲، ص ۱۰۳ / ابن خلدون، علیه السلام ج ۲، قشنت ۲، ص ۱۶ / مقریزی، ۱۴۲۰ ق، ج ۱، ص ۵۷ / مسعودی، علیه السلام ص ۲۰۰ / یعقوبی، علیه السلام ج ۲، ص ۳۹).

۳-۴. عقد برادری و مواخات پیامبر صلی الله علیه و آله با علی علیه السلام

نقل شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله بین اصحاب - دو به دو - عقد برادری بست، تا اینکه علی علیه السلام باقی ماند و پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: «اما ترى ان اكون اخاك؟» فرمود: بلی ای رسول خدا راضی شدم و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «فانت اخی فی الدنیا والآخره» (حاکم نیشابوری، علیه السلام ج ۳، ص ۱۴ / هینمی، ۱۴۰۸ ق، ج ۹، ص ۱۲ / مبارکفوری،

۱۴۱۰ ق، ج ۱۰، ص ۱۵۲ / متقی هندی، علیه السلام ج ۱۳، ص ۱۴۰ / مناوی، ۱۴۱۵ ق، ج ۴، ص ۴۶۸ / زرنندی حنفی، ۱۳۷۷ ق، ص ۹۵).

۳-۵. شجاعت علی علیه السلام در جنگ تن به تن

الف) در جنگ بدر (سال دوم هجرت): در جنگ تن به تن که سه نفر از سران مشرکان به نام‌های عتبه بن ربیع، شیبه بن ربیع و ولید بن عتبه به میدان جنگ آمدند و تقاضای مبارز و هم‌اورد نمودند، در مقابل آنها از سپاه مسلمانان عوف و معاذ فرزندان حارث به سوی ایشان می‌روند و سران مشرکان از آنها می‌پرسند: از چه قبیله‌ای هستید؟ ایشان می‌گویند: گروهی از انصار. در جواب می‌گویند: افرادی از قبیله خودمان و هم‌کفو خودمان بفرستید، که در آن لحظه پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «قم یا عبیده! قم یا حمزه! قم یا علی!» و علی علیه السلام به جنگ ولید بن عتبه رفت و را به هلاکت رساند (ابوداود، علیه السلام ج ۱، ص ۶۰۱ / بیهقی، علیه السلام ج ۹، ص ۱۳۱ / عظیم‌آبادی، علیه السلام ج ۷، ص ۲۳۴ / ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹ ق، ج ۸، ص ۴۷۳ / متقی هندی، علیه السلام ج ۲، ص ۳۹۸ / طبری، علیه السلام ج ۲، ص ۱۴۸ / ابن کثیر، ۱۴۰۸ ق، ج ۳، ص ۴۳۳).

ب) در جنگ احد (شوال سال سوم هجری): در جنگ احد که همانند جنگ بدر آغاز شد، طلحه بن ابی طلحه پرچمدار مشرکان، مسلمانان را به مبارزه می‌طلبید، در حالی که می‌گفت: آیا مبارزی هست؟ پاسخ‌دهنده همان پاسخگوی میدان جنگ بدر است. علی علیه السلام به طرف او پیش رفت. هنگامی که آن دو در میانه دو لشکر با هم روبرو شدند، علی علیه السلام با نواختن ضربتی فرقهش را شکافت، پس طلحه فرو افتاد و عورتش نمایان شد. در این هنگام علی علیه السلام را عنوان رحم [خویشاوندی] یاد کرد، و این در حالی بود که علی علیه السلام کار او را یکسره نکرد، بلکه

به حال خویش وا گذاشت و طلحه در اثر همان یک ضربه هلاک شد (ابوداود، [بی‌تا] ج ۱ ص ۶۰۱ / بیهقی، [بی‌تا] ج ۶ ص ۱۲۲ / احمد حنبل، [بی‌تا] ج ۱ ص ۱۱۷، متقی هندی، [بی‌تا] ج ۱۰ ص ۳۹۶ / طبری، ۱۴۱۵ ق، ج ۲ ص ۱۳۴ / ابن کثیر، ۱۴۰۸ ق، ج ۳ ص ۲۳۹ / ذهبی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲ ص ۸۹ / هبشی، ۱۴۰۸ ق، ج ۶ ص ۷۶).

در این رخداد، نمونه‌ای از مروت و کرامت و اخلاق حضرت علیه السلام نهفته است که مثال بارزی از اخلاق و جوانمردی است؛ حتی با دشمن و در معرکه کارزار. نکته دیگر حیای علی علیه السلام است که چون عورت طلحه نمایان شد، از او صرف نظر کرد.

ج) در جنگ خندق و مقابله با عمرو بن عبدود؛ جنگ خندق در سال پنجم هجری اتفاق افتاد. یکی از بیکارهای مهم در این جنگ، نبرد علی علیه السلام با عمرو بن عبدود بود؛ عمرو از شجاعان عرب بود که توانست از خندق بگذرد و ندا در داد که آیا مبارزی هست؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: مبارزی هست که شر این دشمن را دفع کند؟ علی علیه السلام برخاست و گفت: من آماده‌ام و به یکدیگر حمله نمودند که علی علیه السلام به پای او ضربه‌ای زد و بایش قطع شد. در این هنگام علی علیه السلام سر عمرو را از تنش جدا کرد. و غریو الله اکبر از سپاه مسلمانان برخاست (ابن اثیر، ۱۳۸۶ ق، ج ۲ ص ۱۸۱ / ابن عبدالبر، ۱۴۱۲).

د) شکستن خط دفاعی خیبر (سال هفتم هجری)؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: فردا پرچم را به دست کسی خواهم داد که خداوند فتح و پیروزی را به دست او خواهد داد؛ مردی که خدا و رسولش را دوست دارد و خدا و رسولش نیز او را دوست می‌دارند. یاران شب را به صبح رساندند، در حالی که در این فکر بودند که پرچم فتح سرانجام به چه کسی واگذار می‌شود. چون صبح شد، پیامبر صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را خواست. گفتند: یا رسول الله، او از درد چشم می‌بالد. فرمود: او را حاضر کنید. چون

علی علیه السلام حاضر شد، پیامبر صلی الله علیه و آله مقداری از آب دهان بر دو چشم او مالید و برایش دعا کرد. چشمان امیرمؤمنان علیه السلام به برکت آب دهان پیامبر صلی الله علیه و آله و دعای آن حضرت، شفا یافت؛ آن‌گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله پرچم را به علی علیه السلام دادند و برای او و یارانش دعا کردند که پیروز شوند. این گفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله (لأعطين الراية غدا رجلاً يحب الله و رسوله ...) تلمیحی است به آیه: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (آل عمران، ۳۱)؛ بگو: «اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید تا خدا دوستان بدارد و گناهان شما را بر شما ببخشد، و خداوند آمرزندهٔ مهربان است.» (بخاری، ۱۴۰۱ ق، ج ۴ ص ۵ / مسلم، [بی‌تا] ج ۵ ص ۱۹۵ / ابن ماجه، [بی‌تا] ج ۱ ص ۴۵ / ترمذی، ۱۴۰۳ ق، ج ۵ ص ۳۲ / احمد حنبل، [بی‌تا] ج ۱ ص ۱۰۰ / ابن کثیر، ۱۴۰۸ ق، ج ۴ ص ۲۱۱).

۳-۶. اولین کسی است که با پیامبر صلی الله علیه و آله نماز جماعت خواند (احمد حنبل، [بی‌تا] ج ۱ ص ۳۷۴ / ترمذی، ۱۴۰۳ ق، ج ۵ ص ۳۰۵ / حاکم، [بی‌تا] ج ۳ ص ۵۰۰ / بیهقی، [بی‌تا] ج ۶ ص ۲۰۶ / مبارکفوری، ۱۴۱۰ ق، ج ۱۰ ص ۱۶۲ / طیبی، [بی‌تا] ص ۹۲).

۳-۷. فرستادن علی علیه السلام برای اعلان برائت مشرکان در حج و سخن معروف پیامبر صلی الله علیه و آله که فرمودند: «لا يبلغها إلا رجل من أهل بيتي» (احمد حنبل، [بی‌تا] ج ۱ ص ۲۹۳ / بخاری، ۱۴۰۱ ق، ج ۴ ص ۱۸۳، ۲۱۹ / ح ۵ ص ۱۲۹ / حاکم نیشابوری، [بی‌تا] ج ۲ ص ۴۹۷ / ترمذی، ۱۴۰۳ ق، ج ۵ ص ۳۲۶ / ابن حجر، [بی‌تا] ج ۶ ص ۳۲۱ / نسایی، [بی‌تا] ص ۷۴ / هبشی، ۱۴۰۸ ق، ج ۹ ص ۲۰۱).

۳-۸. سوار شدن علی علیه السلام بر دوش پیامبر صلی الله علیه و آله برای شکستن بت‌ها.

علی علیه السلام می‌فرمایند: با رسول خدا صلی الله علیه و آله به کعبه آمدیم و پیامبر از دوش من بالا رفت و چون دید من طاقت ندارم و ضعیف هستم، پایین آمدند و فرمودند بر منکب من بالا برو! و من بر دوش ایشان بالا رفتم و به پشت بام کعبه رسیدم و

بت‌ها را از آنجا پایین انداختم و آنها می‌شکستند. بعد از ترس اینکه کسی ما را ببیند سریع از آنجا دور شدیم (احمد حنبل، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۸۴ / نسایی، ۱۴۱۱، ج ۵، ص ۱۴۳ / حاکم نیشابوری، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۳۶۷ / زرنندی حنفی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۲۵ / هینمی، ۱۴۰۸، ج ۶، ص ۲۳).

۳-۹. ازدواج علی علیه السلام با فاطمه زهرا علیها السلام.

از اختصاصات علی علیه السلام که نصیب کس دیگری نخواهد شد، ازدواج با فاطمه زهرا علیها السلام است که شایسته می‌بینم در اینجا چند روایت از روایاتی را در شأن والای زهرای مرضیه علیها السلام آمده است، نقل کنم:

الف) ایشان پاره تن رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند.

ب) هر آن چیزی که فاطمه علیها السلام را ناراحت می‌کرد، پیامبر صلی الله علیه و آله را هم ناراحت می‌کرد (بخاری، ۱۴۰۱، ج ۴، ص ۲۱۰ / ح ۶، ص ۱۵۸ / مسلم، [بی‌تا]، ج ۷، ص ۱۴۱ / ابن ماجه، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۶۴۴ / ترمذی، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۲۵۹ / احمد حنبل، [بی‌تا]، ج ۴، ص ۱۰۰ / ابن کثیر، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۲۱۱).

ج) فاطمه علیها السلام سرور زنان بهشت بودند.

ام سلمه حلی روایتی نقل می‌کند: روزی پیامبر صلی الله علیه و آله، فاطمه علیها السلام را طلبیدند و به او چیزی گفتند که فاطمه علیها السلام را به گریه انداخت و بعد از آن چیزی فرمودند که فاطمه علیها السلام خندید. بعد از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله از فاطمه علیها السلام پرسیدم، ایشان فرمودند که پدرم مرا خیر داد که من بعد از مریم بنت عمران سرور زنان بهشت هستم (بخاری، ۱۴۰۱، ج ۴، ص ۱۸۳ / ابن حبان، ۱۴۱۴، ج ۱۵، ص ۴۰۲ / ابن حجر، [بی‌تا]، ج ۶، ص ۲۲۱ / ترمذی، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۲۲۶ / احمد حنبل، [بی‌تا]، ج ۳، ص ۸۰ / هینمی، ۱۴۰۸، ج ۹، ص ۲۰۱ / حاکم نیشابوری، [بی‌تا]، ج ۳، ص ۱۵۱).

۳-۱۰. برحق بودن علی علیه السلام در قتال با قاسطین (صفین).

بنا بر گفتار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله که خبر از آینده می‌دادند، می‌توان به نتایجی دست یافت، از جمله: پیامبر صلی الله علیه و آله به عمار فرمودند: «تقتلک فته الباغیه» و عمار در جنگ صفین در سپاه علی علیه السلام بود و به درجه رفیع شهادت نایل آمد (مسلم، [بی‌تا]، ج ۸، ص ۱۸۵ / نووی، ۱۴۰۷، ج ۱۸، ص ۴۰ / سیوطی، [بی‌تا]، ج ۶، ص ۲۳۴ / احمد حنبل، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۱۶۱ / ترمذی، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۲۲۳ / ابن حجر، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۴۵۱ / نسایی، ۱۴۱۱، ج ۵، ص ۷۵ / ابن کثیر، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۲۶۴).

۳-۱۱. برحق بودن علی علیه السلام در قتال با مارقین.

به این معادله با استفاده از دو روایت تاریخی مستدل، می‌پردازیم:

الف) پیامبر صلی الله علیه و آله خبر از مارقین دادند که چه کسانی هستند. ایشان فرمودند: روزی فرا خواهد رسید که گروهی از دین بیرون می‌روند (خارج می‌شوند)، همان طور که تیر از کمان خارج می‌شود؛ و گروهی که بر حق هستند، پیروز می‌شوند و از نشانه‌های آنها، مردی سیاه‌چرده است که یکی از بازوانش مانند پستان زنان است. در تاریخ، این فرد به نام ابن خویصره شناخته می‌شود (مسلم، [بی‌تا]، ج ۳، ص ۱۱۳ / ذهبی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۹۱ / ابی داود، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۴۰۶ / احمد حنبل، [بی‌تا]، ج ۳، ص ۳۲ / ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۱۰۸ / ابن حجر، [بی‌تا]، ج ۶، ص ۴۵۶ / نسایی، ۱۴۱۱، ج ۵، ص ۱۵۸ / ابن کثیر، ۱۴۰۸، ج ۷، ص ۳۰۹).

ب) ابوسعید خدری می‌گوید: به خدا قسم من این حدیث را از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم و من در آن جنگ همراه علی علیه السلام بودم و شهادت می‌دهم که علی علیه السلام با آنها جنگید. بعد از جنگ، در کشته‌ها ذو النديه را یافتیم؛ به همان اوصافی که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده بود (بخاری، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۱۷۵ / بیهقی، [بی‌تا]، ج ۸، ص ۱۷۱ / نووی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۱۶۷).

۳-۱۲. مأمون بودن و رازدار بودن علی علیه السلام.

در ماجرای اسلام آوردن ابوذر آمده است؛ او وارد مکه شد و تصمیم داشت شبانه خدمت پیامبر ﷺ برسد؛ لذا شب کنار کعبه آمد تا همان جا استراحت کند. در این هنگام این مسافر غریب، مردی - که علی رضی الله عنه است - را می‌بیند که به او می‌گوید: تو کیستی؟ ابوذر می‌گوید: مردی از دودمان غفار. علی رضی الله عنه می‌فرماید: برخیز و به خانه خودت بیا. ابوذر برمی‌خیزد و بی آنکه در راه با کسی ارتباطی بیاید و هدفش را بگوید، آن شب مهمان علی رضی الله عنه می‌شود. ابوذر صبح برمی‌خیزد و از خانه علی رضی الله عنه بیرون می‌آید و کنار کعبه می‌رود. همان‌جا می‌ماند تا شب می‌شود و باز علی رضی الله عنه نزد او می‌آید و او را به خانه خود دعوت می‌کند. این موضوع تا سه شب تکرار می‌شود، ولی ابوذر با کسی ارتباطی نمی‌گیرد و مقصود خود را پنهان می‌کند. روز سوم علی رضی الله عنه به ابوذر می‌فرماید: اگر خود را معرفی کنی و علت مسافرت خود را بگویی، قطعاً به کسی نخواهم گفت و اسرار تو را می‌پوشانم. ابوذر هدف و ماجرای مسافرت خود را به علی رضی الله عنه می‌گوید و ادامه می‌دهد: «می‌خواهم پیامبر ﷺ را ببینم». علی رضی الله عنه می‌فرماید: من صبح به طرف منزل او می‌روم، تو نیز همراه من بیا. هر جا احساس خطر کردم، از راه رفتن خود می‌کاهم و گویی برای رفع حاجتی می‌خواهم. کناری بروم، اما اگر احساس خطر نکردم، پشت سر من بیا و در هر خانه‌ای که وارد شدم تو نیز وارد شو. همین برنامه و طرح علی رضی الله عنه اجرا می‌شود و ابوذر بدون هیچ پیشامد ناگواری با علی رضی الله عنه همراه می‌شود تا وارد خانه‌ای می‌شود که رسول خدا ﷺ آنجاست. ابوذر بعد از ملاقات با پیامبر ﷺ همان لحظه مسلمان می‌شود (بخاری، ۱۴۰۱ ق، ج ۴، ص ۲۴۱ / مسلم، [بی‌تا] ج ۷، ص ۱۵۶ / عینی، [بی‌تا] ج ۱۷، ص ۳ / طبرانی، معجم الاوسط، [بی‌تا] ج ۳، ص ۱۰۹ / ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۲ ق، ج ۴، ص ۱۶۵۴).

این ماجرا حاوی چند نکته اخلاقی دیگر نیز هست:

- میهمان‌نواز بودن بدون در نظر گرفتن عقیده میهمان؛

- غریب‌نوازی امام علی رضی الله عنه.

- در راستای دعوت سری پیامبر ﷺ سر و راز حضرت را نگه داشتن؛

- سیاست و کاردانی ایشان.

۳-۱۳. نماز علی رضی الله عنه، یادآور نماز پیامبر ﷺ است.

عمران بن حصین روایت می‌کند: با علی رضی الله عنه در بصره نماز می‌خواندیم و ایشان نمازی خواند که خاطره نماز با رسول خدا ﷺ در ما زنده شد (بخاری، ۱۴۰۱ ق، ج ۱، ص ۱۹۰ / بیهقی، [بی‌تا] ج ۲، ص ۶۸ / عینی، [بی‌تا] ج ۶، ص ۵۷ / عظیم آبادی، [بی‌تا] ج ۳، ص ۴۵).

۳-۱۴. علی رضی الله عنه از پیامبر ﷺ پرستاری می‌کند.

در جریان جنگ احد که رسول خدا ﷺ زخمی شدند، علی رضی الله عنه و فاطمه رضی الله عنها از پیامبر ﷺ پرستاری می‌کردند و علی رضی الله عنه با سپرش آب می‌آورد و فاطمه رضی الله عنها خون را از چهره پدر می‌شست (بخاری، ۱۴۰۱ ق، ج ۱، ص ۶۶ / مسلم، [بی‌تا] ج ۵، ص ۱۷۸ / ابن‌ماجه، [بی‌تا] ج ۲، ص ۱۱۴۷ / ترمذی، ۱۴۰۳ ق، ج ۳، ص ۲۷۸ / ابن‌حجر، [بی‌تا] ج ۶، ص ۶۹ / بیهقی، ۱۴۱۱ ق، ج ۲، ص ۴۰۲).

۳-۱۵. علی رضی الله عنه از طرف پیامبر ﷺ ناظر بر قربانی‌ها می‌شود.

بیشتر مردم مزد قصاب را از گوشت قربانی می‌دادند، اما رسول خدا ﷺ علی رضی الله عنه را ناظر قربانی می‌نماید تا هم بر کیفیت قربانی نظارت کند و هم تمام گوشت قربانی، حتی پوست آن به مصرف نیازمندان برسد (بخاری، ۱۴۰۱ ق، ج ۲، ص ۱۸۶ / نسایی، ۱۴۱۱ ق، ج ۲، ۴۵۷ / ابن‌خزیمه، ۱۴۱۲ ق، ج ۴، ص ۲۹۶ / ابن‌حجر، [بی‌تا] ج ۳، ص ۴۴۳ / بیهقی، ۱۴۱۱ ق، ج ۶، ص ۸۰ / عینی، [بی‌تا] ج ۱۰، ص ۵۲).

نتیجه

آنچه آمد، قطره‌ای از دریای بیکران فضایل علی علیه السلام نزد اهل سنت است. این امر نشانگر ارادت و علاقه وافر برادران اهل سنت نسبت به این شخصیت والا‌ی اسلامی و انسانی، بلکه نسبت به خاندان اهل بیت علیهم السلام است. این علاقه وافر خود می‌تواند مبنایی متین برای وحدت مسلمانان باشد و نباید به یاوه‌سرایی برخی خناسان - که به قصد بدبین کردن شیعیان نسبت به اهل سنت در خصوص اهل بیت علیهم السلام، با هدف ایجاد یا تعمیق اختلاف تلاش می‌کنند - گوش فرا داد. بار خدایا ما را از بیروان راستین آن مولای متقیان قرار ده.

منابع

۱. ابن ابی شیبہ الکوفی، المصنف؛ تحقیق سعید اللحام، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹ ق.
۲. ابن ابی عاصم، عمرو، کتاب السنه؛ تحقیق محمد ناصرالدین الالبانی، الطبعة الثالثة، بیروت، مکتب الإسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۳. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارصادر، ۱۳۸۶ ق.
۴. ابن جوزی، زاد المسیر؛ تحقیق محمد بن عبدالرحمن عبدالله، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۷ ق.
۵. ابن حبان، صحیح ابن حبان؛ تحقیق شعیب الأرنؤوط، الطبعة الثانية، [بی‌جا] مؤسسه الرساله، [بی‌تا].
۶. ابن حجر، فتح الباری، الطبعة الثانية، بیروت، دارالمعرفه، [بی‌تا].
۷. ابن حنبل، احمد، مسند احمد، بیروت، دارصادر، [بی‌تا].
۸. ابن خزیمه، صحیح ابن خزیمه؛ تحقیق محمد مصطفی الأعظمی، الطبعة الثالثة، [بی‌جا] المکتب الإسلامی، ۱۴۱۲ ق.
۹. ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، الطبعة الرابعة، بیروت، داراحیاء التراث العربی، [بی‌تا].
۱۰. ابن سلمه، احمد بن محمد؛ شرح معانی الآثار؛ تحقیق محمد زهری النجار، الطبعة الثالثة، [بی‌جا] دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۶ ق.
۱۱. ابن عبد البر، الاستیعاب؛ تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت، دارالجمیل، منشورات المجلس العلمی، ۱۴۱۲ ق.
۱۲. ابن عطیه اندلسی، محرز الوجیز فی تفسیر الکتاب المزیز؛ تحقیق عبد السلام عبدالشافی محمد، لبنان، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۳ ق.
۱۳. ابن قتیبه، تأویل مختلف الحدیث؛ بیروت، دارالکتب العلمیه، [بی‌تا].
۱۴. ابن کثیر، البداية والنهایه؛ تحقیق علی شیری، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.
۱۵. ابن ماجه، محمد بن یزید قزوینی، سنن ابن ماجه؛ تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، [بی‌جا] دارالفکر، [بی‌تا].
۱۶. ابیانی، محمد ناصر؛ إرواء الغلیل؛ تحقیق زهیر الشاوش؛ الطبعة الثانية، بیروت، المکتب الإسلامی، ۱۴۰۵ ق.

۱۷. بخاری، صحیح بخاری، [بی‌جا] دارالفکر، ۱۴۰۱ ق.
۱۸. بغوی، تفسیر بغوی، تحقیق خالد عبدالرحمن العک، بیروت: دارالمعرفة، [بی‌تا].
۱۹. بیهقی، سنن الکبری، [بی‌جا]، دارالفکر، [بی‌تا] «الف».
۲۰. _____، معرفة السنن والآثار، تحقیق سید کسروی حسن، بیروت: دارالکتب العلمیه، [بی‌تا] «ب».
۲۱. ترمذی، جامع الصحیح، تحقیق عبدالرحمن محمد عثمان، الطبعة الثانية، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۳ ق.
۲۲. ثعلبی، تفسیر ثعلبی، تحقیق ابی محمد بن عاشور، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق.
۲۳. جصاص، أحكام القرآن، تحقیق عبدالسلام محمد علی شاهین، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۲۴. حاکم نیشابوری، مستدرک، تحقیق یوسف عبدالرحمن مرعشلی، [بی‌جا] [بی‌تا]، [بی‌تا].
۲۵. حسکانی، حاکم، شواهد التنزیل، تحقیق باقر محمودی، تهران: وزارت و فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ ق.
۲۶. حمیدی، عبدالله بن زبیر، مسند حمیدی، تحقیق حبیب الرحمن اعظمی، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۹ ق.
۲۷. دارمی، عبدالله بن بهرام، سنن الدارمی، دمشق: إغنتال، ۱۳۴۹ ق.
۲۸. دولابی، محمد بن احمد، الدرر الدریة الطاهرة النبویه، تحقیق سعد المبارک الحسن، کویت: دارالسلفیه، ۱۴۰۷ ق.
۲۹. ذهبی، تاریخ اسلام، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دار کتاب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۳۰. رازی، ابن ابی حاتم، تفسیر ابن ابی حاتم، تحقیق أسعد محمد الطیب، صیدا: مكتبة العصریه، [بی‌تا].
۳۱. زرنندی حنفی، نظم درر السمطین، [بی‌جا] [بی‌تا]، [بی‌تا].
۳۲. زمخشری، جارالله، الفایق فی فرب الحدیث، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ ق.
۳۳. زبلی، تخریج الأحادیث والآثار، تحقیق عبدالله بن عبدالرحمن سعید، ریاض: دار ابن خزیمه، ۱۴۱۴ ق.

۳۴. سمرقندی، ابولیت، تفسیر السمرقندی، تحقیق محمود مطرجی، بیروت: دارالفکر، [بی‌تا].
۳۵. سمعانی، تفسیر سمان، تحقیق یاسر بن ابراهیم و غنیم بن عباس بن غنیم، سعودی: دارالوطن، ۱۴۱۸ ق.
۳۶. سیوطی، جلال‌الدین، الدر المتثور، بیروت: دارالمعرفة، [بی‌تا] «الف».
۳۷. _____، دیباج علی مسلم، عربستان سعودی: دار ابن عفان، ۱۴۱۶ ق.
۳۸. _____، شرح سنن النسائی، بیروت: دارالکتب العلمیه، [بی‌تا] «ب».
۳۹. صنعانی، عبدالرزاق، تفسیر قرآن، تحقیق مصطفی مسلم محمد، ریاض: مكتبة الرشد، ۱۴۱۰ ق.
۴۰. _____، مصنف، تحقیق حبیب الرحمن الأعظمی، [بی‌جا] [بی‌تا]، [بی‌تا].
۴۱. طبرانی، معجم الأوسط، تحقیق قسم التحقیق بدار الحرمین، [بی‌جا] دارالحرمین للطباعة و النشر و التوزیع، [بی‌تا].
۴۲. _____، معجم الکبیر، تحقیق حمدی عبدالمجید السلفی، الطبعة الثانية، [بی‌جا] دار احیاء التراث العربی، [بی‌تا].
۴۳. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، تحقیق نخبه من العلماء الأجلاء، بیروت: مؤسسه الأعلی للمطبوعات، [بی‌تا].
۴۴. _____، جامع البیان، تحقیق خلیل میس صدقی و جمیل المطار، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ ق.
۴۵. طیالسی، سلیمان بن داود، مسند انبی داود طیالسی، بیروت: دارالمعرفة، [بی‌تا].
۴۶. عجلونی، کشف الخفاء، الطبعة الثالثة، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ق.
۴۷. عظیم آبادی، عون المعبود، الطبعة الثانية، بیروت: دارالکتب العلمیه، [بی‌تا].
۴۸. عینی، عمدة القاری، بیروت: داراحیاء التراث العربی، [بی‌تا].
۴۹. مبارکفوری، تحفه الأحرذی، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ ق.
۵۰. متقی هندی، کنز العمال، شیخ بکری حیاتی و شیخ صفوة السقا، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ ق.
۵۱. مسعودی، التنبیه و الإرشاد، بیروت: دار صعب، [بی‌تا].

٥٢. مقال بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، تحقیق احمد فرید، بیروت، دارالکتب العلمیه، ١٤٢٤ ق.

٥٣. مقریزی، امتاع الأسماع، تحقیق محمد عبدالحمید نمیسی، بیروت، منشورات محمد علی بیضون، دارالکتب العلمیه، ١٤٢٠ ق.

٥٤. مناوی، فیض القدر شرح جامع الصغیر، تحقیق احمد عبدالسلام، بیروت، دارالکتب العلمیه، ١٤١٥ ق.

٥٥. موصلی، أبو یعلیٰ، مستدأب یعلیٰ، تحقیق حسین سلیم أسد، دارالمأمون للتراث، [بی تا].

٥٦. نحاس، معانی القرآن، تحقیق شیخ محمدعلی الصابونی، عربستان، جامعه ام القرى، ١٤٠٩ ق.

٥٧. نسائی، خصائص امیرالمؤمنین علیه السلام، تحقیق محمد هادی الأمینی، طهران: مکتبه نینوی الحدیثه، [بی تا].

٥٨. سنن الکبریٰ، تحقیق عبدالغفار سلیمان بنداری و سید کسروی حسن، بیروت، دارالکتب العلمیه، ١٤١١ ق.

٥٩. نووی، شرح مسلم، بیروت، دارالکتب العربی، ١٤٠٧ ق.

٦٠. واحدی، تفسیر واحدی، تحقیق صفوان عدنان داوودی، دمشق، دارالفلم، ١٤١٥ ق.

٦١. هینسی، مجمع الزوائد، بیروت، دارالکتب العلمیه، ١٤٠٨ ق.

٦٢. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، بیروت، دار صادر، [بی تا].